

معرفی و بررسی باستان‌شناختی کوره‌های کویچه قلعه مراغه

حسین ناصری صومعه*، علیرضا پاشایی** و محسن سعادت***

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی، دانشگاه تربیت مدرس
 ** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
 *** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

کویچه قلعه مراغه در فاصله ۴۶ کیلومتری جنوب شرق شهرستان مراغه واقع شده است. متاسفانه در منابع مختلف از این قلعه به اشتباه با اسامی گوجور قلعه و گوهر قلعه یاد می‌شود. در این قلعه دو گونه متفاوت تدفینی به دست آمده است که مهم‌ترین آن یک گوردخمه صخره‌ای است که تا به امروز شناخته نشده و به دلیل جمع شدن آب نزولات آسمانی در آن، موجب گمراهی در تشخیص کاربرد آن به عنوان آب انبار شده است. همچنین یک فضای مربعی تمام صخره‌ای و شش نمونه از گورهای صندوقی شکل که قابل قیاس با نمونه‌های اورارتویی و ماناییست، در این قلعه به دست آمده است. در این پژوهش سعی گردیده است تا ضمن اصلاح نام محوطه، با بررسی میدانی محوطه و شناسایی قبور و برداشت پلان و تجزیه و تحلیل ساختار و اجزاء فضای موسوم به آب انبار و مقایسه آن با نمونه‌های مشابه، با ردکارکرد آب انبار برای اثر مربوطه، کاربرد این فضا را که شامل یک اتاق اصلی با اتاق‌های الحاقی و مدخل ورودی چهارگوش در ترکیب با پله‌های سنگی وصولی است به عنوان گوردخمه‌ای از نوع «تک اتاقه پیوسته» که مربوط به حکام دست‌نشانده و خراجگزار اورارتویی بوده، مشخص نماییم.

واژگان کلیدی: اورارتو، خراجگزار، کویچه قلعه، گوردخمه، تک اتاقه پیوسته.

درآمد

روزمره و اندیشه و تفکر اعتقادی انسان داشته و علاوه بر آن دارای اطلاعات بسیار ارزشمندی در شناخت ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی هستند، در باستان‌شناسی شناختی جایگاه خاصی دارند (هژبری نوبری و پورفرج، ۱۳۸۴: ۶۶).

اورارتوها به مانند سایر اقوام و فرهنگ‌های معاصر خود، اعتقاد بسیار قوی به زندگی پس از مرگ داشتند. آداب و رسوم مربوط به تدفین و نشانه‌هایی چون قرار دادن هدایا و مواد غذایی در آرامگاه‌ها این باور را ثابت می‌کند. شاید به همین دلیل باشد

یکی از مهم‌ترین ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی هر جامعه، چگونگی تدفین مردگان آن جامعه است که ارتباط مستقیم با فرهنگ و باورهای مذهبی هر جامعه دارد، چرا که از نحوه تدفین در جوامع مختلف، می‌توان به رگه‌هایی از فرهنگ و باورهای مذهبی آنان پی برد. گورها از آن جهت اهمیت دارند که داده‌های مختلف باستان‌شناختی، جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی را در خود جای داده‌اند (فیروزمندی و عبداللهی، ۱۳۸۴: ۸۰). تدفین‌ها به لحاظ اینکه ارتباط نزدیکی با زندگی

نزولات آسمانی در آن جمع و موجب گمراهی در تشخیص کاربرد آن شده است. در سایت‌های اینترنتی، نزد اهالی بومی و حتی برخی کارشناسان میراث فرهنگی این گوردخمه به اشتباه با عنوان آب انبار شناخته می‌شود. در این مقاله با توجه به اشاره اشتباه به نام محوطه در منابع مختلف؛ تلاش می‌گردد ضمن اصلاح نام محوطه، با پرداختن به ساختار و اجزاء فضایی که به غلط به آب انبار موسوم است و مقایسه آن با نمونه‌های مشابه و مدد گرفتن از سایر شواهد محوطه، کاربرد فضای مربوطه شناسایی گردد.

گوردخمه (آرامگاه صخره‌ای)

گوردخمه به آرامگاه‌های صخره‌ای گفته می‌شود که از سنگ و عمدتاً در سینه کوه بر صخره تراشیده می‌شود. تاریخ تراشیدن و کندن صخره‌های سنگی و ایجاد دخمه و پناهگاهی در دل کوه قدمتی دراز دارد. انسان دوران کهن با کندن صخره‌های طبیعی در دامنه کوه‌ها و ایجاد حفره‌ها از یک فضای کوچک محدود به تدریج به فضای بزرگی می‌رسید و از آن به عنوان خانه یا آرامگاه استفاده می‌کرد. این مبارزه انسان با صخره‌های سنگی را معماری صخره‌ای و یا دخمه‌ای می‌نامند. مصالح و کالبد اصلی این نوع معماری سنگ بوده و به احتمال زیاد اجرای آن در دل کوه همانا پایداری و قداست کوه نیز بوده است، زیرا در بعضی از فرهنگ‌های باستان کوه مظهري از قداست، جایگاه رب‌النوع‌ها و مکانی امن بوده است (حاتم، ۱۳۸۱: ۱۰۶).

با توجه به ساختار این نوع معماری و ویژگی‌های آن، می‌توان آن‌ها را به عنوان یک مجموعه تاریخی مورد مطالعه قرار داد، زیرا که ایجاد این نوع حجاری نه تنها از نظر تاریخ هنر و باستان‌شناسی اهمیت دارد، بلکه برای شناخت تاریخ تمدن، تاریخ ادیان و روابط فرهنگی بین اقوامی که دارای این معماری هستند، شایان توجه است. علاوه بر اینها اهمیت دفاعی معماری صخره‌ای در مقابل حوادث و عوامل طبیعی نیز غیر قابل انکار است (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۸: ۶۴).

با تشکیل دولت اورارتو تحولات جدیدی در زمینه‌های مختلف، به ویژه در معماری آرامگاه و سنت‌های تدفین در آسیای صغیر و آذربایجان معرفی شد. در این دوره وجود شیوه‌های

که اورارتوها آرامگاه‌های خود را به صورت چند اتاقه و یا به شکل خانه آماده کرده و در درون آن اشیا ویژه‌ای قرار می‌دادند (Çevik, 1999: 335).

گویجه قلعه با ساختاری سنتی و معماری سنگی در حاشیه شمالی رودخانه قوری چای و در فاصله ۴۶ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان مراغه واقع شده است (تصویر ۱). وجه تسمیه گویجه قلعه (در زبان ترکی به معنی قلعه سبزگون) برگرفته از سنگ‌های سبز مایل به آبی در لایه‌های تحتانی در ضلع شمالی کوه است. این قلعه در ضلع شرقی ارتفاعات کوه‌های گویجه قلعه واقع شده و از نادرترین قلعه‌های تاریخی آذربایجان شرقی با معماری صخره‌ای محسوب می‌شود. قلعه احتمالاً در کنار یک جاده مهم ارتباطی - نظامی شکل گرفته و از نظر استراتژیکی اهمیت خاصی داشته و می‌توان از آن به عنوان قلعه نظامی نام برد. این قلعه در سال ۱۹۷۳ م. توسط ولفرام کلایس شناسایی و بررسی و از آن به عنوان قرارگاه خراجگزاران پادشاهی اورارتو یاد شد (Kleiss, 1973: 33-34). از آن زمان تا کنون در رابطه با آن کار جدی و اساسی علمی صورت نگرفته و تنها در برخی از منابع مربوط به دوره اورارتو با ذکر نامی از آن یاد شده است. البته این منابع نام این قلعه را به اشتباه با اسامی گوجور قلعه (پیوتروفسکی، ۱۳۸۱: ۳۷۲) و گوهر قلعه (حاجی‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۵۱) ذکر کرده‌اند. بررسی‌های سطحی قلعه توسط نگارندگان، نشان می‌دهد که این قلعه نظامی از عصر آهن تا دوره میانه اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. در این بررسی علاوه بر برداشت پلان گوردخمه، تکه سفال‌های مربوط به عصر آهن II و III (سفال خاکستری و قرمز صیقلی اورارتویی) و تاریخی، آثار فرهنگی مربوط به قرون میانه اسلامی (سلجوقی و ایلخانی) و نیز گورستانی اسلامی که در جانب شمال شرقی قلعه موجود است، شناسایی شد. این قلعه دارای اتاق‌های صخره‌ای و تمام سنگی، پلکان‌های سنگی و گوردخمه و به خصوص حصارها و دیوارهای خشکه‌چین بوده که از شاخصه‌های شناخته شده معماری عصر آهن به شمار می‌روند. گوردخمه (آرامگاه صخره‌ای) در ضلع شمال شرق نسبت به مرکز قلعه قرار گرفته و یکی از مهم‌ترین عناصر برای تاریخگذاری و انتساب قلعه به اورارتوها و خراجگزاران آن‌ها است. متأسفانه امروزه آب

آرامگاه‌های صخره‌ای اورارتو سنتی است که فقط متعلق به شاهان و خانواده سلطنتی بوده و در خارج از توشپا، توسط حاکمان محلی و به تقلید از شاهان مرکزی اورارتو ساخته شده‌اند (Koroğlu, 2011: 40; Konyar, 2011: 207). مقبره سلطنتی در قلعه وان می‌تواند به عنوان نمونه‌ای قابل اعتماد برای شناسایی معیارهای معماری آرامگاهی اورارتویان باشد (Tarhan, 1985; 1994). در دوره اورارتو در شمال غرب ایران بیش از ۱۰ محوطه اورارتویی شناسایی گردیده که از آن‌ها آرامگاه‌های صخره‌ای به دست آمده است (حاجی‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۳۶) (نقشه ۱). از عمده ویژگی‌های شناسایی گوردخمه‌های اورارتویی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- این مقابر به طور کلی شامل یک اتاق اصلی با اتاق‌های الحاقی به آن هستند. این امر در گویچه قلعه با یک فضای مرکزی و دو اتاق الحاقی به صورت زمخت با دیوارهای ناصاف صورت گرفته است.
 - مقبره‌ها در داخل دیوارهای شهر و نزدیک به ارگ ایجاد می‌گردیدند. در پایتخت و مراکز مهم اورارتو گوردخمه‌ها معمولاً در داخل قلعه بنا می‌شدند. این نوع آرامگاه در خارج از ارگ شهرهای مهم مشاهده نشده است (Koroğlu, 2011: 37).
 - دسترسی به مقبره‌ها معمولاً از طریق پله‌های سنگی صورت می‌گیرد.
 - در برخی نمونه‌ها بر سطح جانبی دیوارها طاقچه‌های آئینی جهت قرار دادن هدایای تدفینی ایجاد شده است.
 - ورودی‌ها دارای قابی با فرورفتگی‌هایی است که مرتبط با قفل درگاه‌ها هستند (Konyar, 2011: 208-210).
- همچنین مقابر صخره‌ای اورارتو در آذربایجان را نیز به اعتبار اتاق‌های ایجاد شده می‌توان به شرح ذیل تقسیم‌بندی کرد:

- ۱- مقابر صخره‌ای تک اتاقه: این گروه را می‌توان شامل مقابری دانست که تنها دارای یک اتاقک هستند. گاه این مقابر با حیاط چهارگوش یا مدخل ورودی پیوسته همراهند. از مهم‌ترین نمونه‌های اینگونه مقابر در آذربایجان می‌توان از مقبره‌های قارنی یارتق و سنگر

متفاوت از تدفین می‌توانسته نشان از تنوع قومی و اجتماعی و یا اختلاف طبقاتی در این دوره باشد (Konyar, 2011: 206). انواع مقبره‌ها با در نظر گرفتن اندازه، مصالح ساختمانی، سبک و همچنین از نظر موقعیت اجتماعی فرد متوفی تعریف شده‌اند. برخی از این سنت‌ها برای اولین بار در منطقه معرفی می‌گردند. اولین نمونه از سنت آرامگاه‌های صخره‌ای یادمانی ایجاد شده در داخل سنگ بوسيله برش سنگ در آناتولی در دوره فریژی‌ها و اورارتوها مشاهده شده است. بعد از آن، این سنت به طور گسترده‌ای در فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفت (Konyar, 2011: 207). این که این سنت در آناتولی به صورت مستقل تکوین شده یا در اثر روابط با غرب شکل گرفته، هنوز روشن نیست (Konyar, 2011: 207). در رابطه با منشاء اولیه این گورها در اورارتو کاراعثمان اوغلو معتقد است که اورارتوها این شیوه را از مزارهای اقوام هوری در کارکمیش^۱ تقلید کرده‌اند (Karaosmanoğlu, 2004: 419-423).

تا به امروز بیش از ۵۰ مقبره از این نوع در سرزمین اورارتو مشخص شده است و این تعداد روز به روز در اثر فعالیت‌ها و بررسی‌های باستان‌شناختی افزایش می‌یابد (Koroğlu, 2008: 21). بیشتر این مقابر توسط محققانی چون (Çilingiroğlu, 2006; 2003; Çavuşoğlu, 2000; Çevik, 1980) به این دوره نسبت داده شده‌اند. با وجود این در سال‌های اخیر برخی از محققان ترکیه‌ای ارزیابی مجدد از گاه‌شناسی این مقابر را لازم دانسته‌اند (Koroğlu, 2005; 2007; 2008). چشمگیرترین مقبره‌های سلطنتی اورارتوها از نظر اندازه و مهارت کار، در وان قلعه (توشپا)^۲ پایتخت اورارتویان واقع شده است. از نمونه‌های دیگر می‌توان مقبره‌های کوروجولار^۳، نفت کوی^۴ و قبر آرگیشتی اول^۵ را مثال زد (Tarhan, 1985: 24; 1994).

در دوره اورارتو محل و نوع مقابر، وضعیت اجتماعی دفن‌شدگان را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که گوردخمه‌ها یا

1- Karkemish
2- Tushpa
3- Kurucular
4- NeftKuyu
5- Argishti I

حیاط نمادین در نظر گرفت. مشابه فضای چهارگوش ورودی این گوردخمه در گوردخمه محوطه‌هایی چون قارنی یارتق و اسماعیل آقا موجود است (تصویر ۴). همچنین نمونه ترکیب راه‌پله‌های و صولتی به اتاقک مقبره با واسطه حیاط چهارگوش در مقبره اورارتویی پلدشت وجود دارد (کارگر، ۱۳۶۸: ۵۵-۵۶). در گویجه قلعه از طریق یک ورودی به ابعاد ۱۱۰×۱۱۰ سانتی‌متر می‌توان از حیاط نمادین به قسمت دوم که فضای اصلی است وارد شد. فضای اصلی به شکل تقریباً مربع نامنظم با اضلاع ۳۴۰×۳۸۰ سانتی‌متر بوده که ارتفاع آن به دلیل انباشت آب و سنگ نامشخص است و در دو مرحله در جهت غرب و شمال به صورت اتاق‌های کوچک الحاقی گسترش یافته (تصویر ۵ و تصویر رنگی ۳). سقف این فضاها به صورت تخت و در کنج‌ها به صورت قوس‌دار است. در مراحل ساخت این گوردخمه بعد از فضای مربع اصلی ابتدا فضای غربی و سپس فضای شمالی حجاری شده و علت این استدلال از آن جهت است که فضای شمالی نیمه کاره رها شده (تصاویر ۶ و ۷، تصاویر رنگی ۴ و ۵). در مرکز اتاقک یا فضای غربی یک چاله مستطیل شکل به طول و عرض ۱۶۸×۱۱۵ سانتی‌متر و عمق ۸۰ سانتی‌متر ایجاد گردیده که کاربرد آن گور تشخیص داده شد (تصویر ۸ و تصویر رنگی ۶). فضای شمالی نیز مستطیلی به ابعاد ۲۱۰×۴۴۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۱۶۰ سانتی‌متر است که در مرکز آن گودالی به ابعاد ۲۱۰×۱۲۰ سانتی‌متر در حال ساخت بوده که فقط ۱۰ سانتی‌متر از عمق آن کنده شده ولی به دلیل نامشخص به حال خود رها شده و حجاری نیمه کاره مانده است. بنابراین گوردخمه گویجه قلعه به اعتبار واحدهای ایجاد شده در آن که به تفصیل توضیح داده شد در دسته مقابر صخره‌ای تک اتاقه پیوسته اورارتویی قرار می‌گیرد.

علاوه بر این گوردخمه در ضلع شمالی قلعه فضایی مربع شکلی به ابعاد ۵×۸/۱۰×۷/۶۰ متر در دل صخره ایجاد شده است (تصویر ۱۶). درگاه این فضا در اندازه بسیار بزرگ ۴/۷۵×۳/۴۰ متر بوده و در گوشه ضلع شمالی آن روزنه‌ای به ابعاد ۷۰×۹۰ سانتی‌متر ایجاد شده که احتمالاً به عنوان نورگیر از آن استفاده می‌شده است. کنج دیواره‌ها به صورت منحنی (گرد شده) و سقف آن به صورت مسطح کار شده است. درگاه از داخل و

(Kleiss, 1968) و اسماعیل آقا (Kleiss & Kroll,)

(1977) نام برد.

۲- مقابر صخره‌ای چند اتاقه: در این نوع قبور صخره‌ای، اتاقک چهارگوشی به منظور محوطه مشترک برای اتاقک‌های داخلی در نظر گرفته شده است و مقابر در پشت آن و در مجاورت یکدیگر با ورودی‌های مستقل از هم ساخته شده‌اند و ورودی تمام اتاق‌ها به این فضای مشترک باز می‌شوند (کارگر، ۱۳۶۸: ۵۶). بارزترین نمونه این نوع مقبره در آذربایجان، آرامگاه صخره‌ای هودور (Kleiss, 1974) است.

توصیف و تحلیل گور دخمه گویجه قلعه

این قلعه در قسمت غرب روستای گویجه قلعه سفلی و علیا و رودخانه قوری چای در بخش سراجوی شهرستان مراغه واقع شده است (نقشه ۲). این مجموعه که بخش عمده آن بر روی صفحه‌ای صخره‌ای واقع شده و بخش‌های دیگر در پای آن قرار گرفته، متشکل از چند بخش مجزا شامل: دیوارها، اتاق‌ها و درگاه‌های صخره‌ای و تمام سنگی، پلکان‌های سنگی، گوردخمه (آرامگاه صخره‌ای) و گورهای صندوقی شکل و آب انبار است. گوردخمه در قسمت شمال شرق مرکز قلعه و در داخل حصار قلعه، یعنی در مکانی که به بهترین وجه می‌توانسته‌اند از آن محافظت نمایند، ایجاد گردیده است. دسترسی به گوردخمه همانند نمونه‌های اورارتویی از طریق دو مجموعه پلکان سنگی امکان پذیر است که وجود پلکان‌ها به نظر امری آئینی است. یک مجموعه از پلکان‌ها متشکل از شش عدد پلکان سنگی است که گوردخمه را به درگاه شمال شرقی قلعه متصل می‌کند و مجموعه دوم بالغ بر ۳۰ پلکان سنگی است که از شرق و مرکز قلعه تا دهانه گوردخمه کشیده شده است (تصویر ۲). این گوردخمه از دو قسمت تشکیل شده که اولین قسمت آن به صورت یک فضای چهارگوش رو باز و به ابعاد ۱۱۵×۲۲۰ سانتی‌متر و عمق ۲۶۰ سانتی‌متر و دارای یک قاب است (تصویر ۳). در این دوره استفاده از پله و یا فضای کوچک چهارگوش مقابل مقبره به عنوان حیاط و مدخل ورودی مطرح است. بنابراین این فضای رو باز در گویجه قلعه را باید به عنوان

دوره اورارتو از یونچاتپه^۶ (Konyar, 2004)، دلیل کایا^۷ (Çilingiroğlu, 1991) (تصویر ۱۲) و گورستان کاراگوندوز^۸ (Sevin & Kavakli, 1995: 335) در شرق ترکیه به دست آمده است. البته نمونه‌های مشابه با این گونه تدفین‌ها در دوره همزمان، در برخی از محوطه‌های مانایی نیز به دست آمده که از شاخص‌ترین نمونه آن‌ها می‌توان به قلعه بردینه (تصویر ۱۳) (Hassanzadeh, 2009: 274) و قبرستان کول تاریکه (Rezvani & Roustaei, 2007: 165) (تصویر ۱۴) اشاره کرد. اندک تفاوت این گورها با نمونه‌های گویجه قلعه در این است که در این گورها سنگ‌ها کاملاً مکعبی نبوده، اندازه آن‌ها یکسان نیست و سطح آن‌ها زمخت کار شده است. این در حالی است که در گورهای گویجه قلعه تلاش گردیده که سنگ‌ها در اندازه‌های یکسان، کاملاً مکعبی و با سطوحی صاف باشند. در هر صورت با توجه به تخریب این گورها، تنها داده مرتبط با آن‌ها ساختار گورها است که قابل مقایسه و منطبق با نمونه‌های اورارتویی و نمونه‌های منتسب به مانایی است. با توجه به اینکه در این دوره‌ها نوع مقابر، می‌توانسته وضعیت اجتماعی دفن‌شدگان را نمایان کند، لذا می‌توان از آن‌ها به عنوان گور اشخاص متوسط جامعه یاد کرد ولی اینکه این گورها دقیقاً به چه اقوام یا حکومتی تعلق دارد، نیازمند کاوش‌های روشمند باستان‌شناختی هستیم.

تفاوت گوردخمه‌های اورارتویی با نمونه‌های مادی و

هخامنشی

گوردخمه‌های اورارتویی نسبت به نمونه‌های مادی و هخامنشی قدمت بیشتری دارند و گاه مطرح می‌گردد که گوردخمه‌های منسوب به ماد نوع تکامل یافته و بومی شده اورارتویی هستند. گیرشمن معتقد است که گوردخمه‌های مادی می‌توانسته از آرامگاه‌های آسیای صغیر و اورارتویی تقلید شده باشد (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۸۹). عمده تفاوت موجود بین گوردخمه‌های اورارتویی با نمونه‌های مادی و هخامنشی این است که معمولاً گوردخمه‌های اورارتویی در داخل ارگ ساخته شده و به وسیله

بیرون دارای دو قاب افقی است و در سمت بالای قرنیز در بیرون و درون ورودی سوراخ‌هایی به عنوان پاشنه و لولا ایجاد شده است. قاب اول قسمت بیرونی درگاه از سوی غرب حدود ۲/۵ متر اضافی کار گردیده و سطحی صاف و قاب‌بندی شده به وجود آورده به گونه‌ای که گویی قصد کننده‌کاری یا کتیبه‌نویسی را در این محل داشته‌اند که به دلایلی یا نیمه کاره مانده و به مرحله اجرا نرسیده و یا تخریب گردیده است (تصاویر ۹ و ۱۰). کاربرد این فضا مشخص نبوده و برای روشن شدن کامل کاربرد آن نیاز به کاوش و بدست آوردن شواهدی است که بتوان بر اساس آن‌ها نتیجه‌گیری کرد. در شرایط فعلی فقط می‌توان دو کاربرد احتمالی را در رابطه با کاربرد این فضا پیشنهاد کرد. نخست اینکه از این فضا به عنوان انبار برای غله یا تسلیحات جنگی استفاده می‌شده و دیگر اینکه می‌توانسته محلی برای دفن بزرگان باشد. به این صورت که فضای فوق تالار مراسم بوده و اتاق‌های تدفین به احتمال زیاد در سطوح جانبی بایستی ایجاد می‌شد که حجاران هرگز چنین فرصتی را به دست نیاورده‌اند. به هر روی احتمال آرامگاه بودن این فضا منطقی به نظر می‌رسد. کلایس نیز در بررسی‌های خود، کاربرد آن را به این نظر نزدیک دانسته است (Kleiss, 1973: 34).

یکی دیگر از انواع آرامگاه‌های به دست آمده در گویجه قلعه، گورهای سنگی صندوقی شکل است که این گونه گورها حداقل از اوایل عصر مفرغ استفاده می‌شده است. در این گونه گورها بلوک‌های سنگی تخت به صورت عمودی در دیواره‌ها و افقی در سقف کار گذاشته می‌شدند (Konyar, 2011: 224). در بررسی که توسط نگارندگان در پیرامون این قلعه صورت گرفت، در شیب جنوب شرقی قلعه شش نمونه از این گورها شناسایی شد که به شدت تخریب و غارت شده بودند (تصویر ۱۱). این گورها معمولاً از ۸ الی ۱۰ عدد بلوک بزرگ سنگی سبز رنگ با اندازه‌های تقریباً مساوی در دیواره‌ها و سقف و چند سنگ در اندازه متوسط و کوچک برای پر کردن درز گورها تشکیل شده‌اند که کاملاً تخت و مسطح گردیده‌اند. به نظر می‌رسد علت اصلی تخریب این گورها احداث راه بین روستایی در این سوی قلعه و حفاری‌های غیر مجاز باشد. از این گورها در

6- Yonçatepe

7- Dilkaya

8- Karagündüz

گویجه قلعه، به وجود این سفال‌ها اشاره کرده است (Kleiss, 1973: 33). به نظر می‌رسد اندک بودن سفال قرمز براق نوع اورارتویی به علت حضور و قدرت کم آن‌ها در این منطقه باشد (تصاویر ۱۵ و ۱۶ و جدول ۱).

برآیند

همانگونه که در متن اشاره شد گویجه قلعه، قلعه‌ای نظامی بوده که در دوره‌های مختلف از عصر آهن تا دوره‌های میانی اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. با وجود گزارش کلایس مبنی بر وجود سفال اورارتویی و ویژگی‌های معماری اورارتویی در ساختار گویجه قلعه، او با اطمینان این قلعه را به دوره اورارتویی نسبت نداده و معتقد است که این اثر ممکن است متعلق به خراجگزاران اورارتو باشد که تکنیک پله‌ای را از فاتحان خود آموخته‌اند (Kleiss, 1973: 33-34). همچنین برخی از باستان‌شناسان در بازه زمانی قرون ۸ و ۹ ق.م منطقه مراغه را جزئی از ایالات پادشاهی مانا (احتمالاً اوئیش دیش) می‌دانند (دیاکونوف، ۱۳۷۷: ۲۰۲) ولی وجود شواهد عینی در این منطقه مانند گویجه قلعه و قلعه‌های اقماری آن و نیز شواهد پیرامونی آن مانند آثار اورارتویی موجود در شهرستان عجب‌شیر (داش قلعه) (Kleiss, 1973)، جوان قلعه و کتیبه آن (Kroll, 2011: 158) و شهرستان میان‌دوآب (داش تپه، ارسلان تپه، شیطان تپه) که فاصله چندانی با این اثر ندارند و سنجش و مقایسه آن‌ها با نمونه‌های مشابه نشان می‌دهد که این منطقه نه تنها در بازه‌های (هر چند کوتاه) از این قرون را تحت استیلای دولت اورارتو در آمده بلکه به علت وجود گوردخمه‌ای از این دوران و نیز قرارگیری در مرز پادشاهی مانا و حساسیت منطقه، می‌توانسته به عنوان حاکم‌نشین و مهم‌ترین محوطه خراجگزار اورارتویی در منطقه مطرح باشد. کتیبه داش تپه میان‌دوآب از شاه منوا (۸۱۰ تا ۷۸۵ ق.م) و کتیبه جوان قلعه عجب‌شیر از آرگیشتی اول (۷۸۶ تا ۷۶۴ ق.م) تسلط اورارتو بر این منطقه را دست کم در دوره این شاهان (حداقل دوره‌ای ۵۰ ساله) مسلم می‌دارد و از آنجایی که دشت مراغه و گویجه قلعه تقریباً در مابین این دو منطقه قرار گرفته، پس علاوه بر داده‌های باستان‌شناختی، کتیبه‌های اورارتویی در این مناطق نیز می‌تواند شاهد نزدیک دیگری بر

پلکان‌هایی همواره قابل دسترسی بوده که نشان‌دهنده رفت و آمد به داخل آن در گذشته بوده (Konyar, 2011: 208-210) ولی در گوردخمه‌های منسوب به ماد و نمونه‌های هخامنشی تا جای امکان آن‌ها را از دسترس دور کرده و برای همین خاطر بعد از ساخت آن‌ها سطح خارجی سنگ را صاف می‌کرده‌اند تا از دسترس مردم عادی و غارتگران به دور باشند. البته علت دیگر اینکه مقابر اورارتویی در داخل ارگ ساخته می‌شده‌اند این بوده که اینگونه بهتر از اتاق و هدایای تدفین دفاع و محافظت می‌شده است (Konyar, 2011: 210). به استثنای آرامگاه دوغوبایزید^۹ که دارای یک صحنه نقش برجسته مراسم قربانی است، سایر گوردخمه‌های اورارتویی فاقد هرگونه نقش برجسته هستند (Huff, 1968: 64). این در حالی است که تمامی گوردخمه‌های هخامنشی و برخی از گوردخمه‌های منسوب به دوره ماد دارای نقش برجسته‌هایی هستند. نکته مهم آخر اینکه نمای گوردخمه‌های هخامنشی و مادی برگرفته از معماری بومی و ایوان‌های مانایی در آذربایجان بوده و معمولاً دارای ستون یا نیم‌ستون و به شکل ایوان خانه‌ها بوده و شکل ظاهری آن‌ها همسو و هماهنگ با اصول معماری این دوره‌هاست (حاتم، ۱۳۸۱: ۱۰۸).

سفال

طی بررسی سطحی محوطه توسط نگارندگان، تکه‌سفال‌هایی مربوط به عصر آهن II و III، دوران‌های تاریخی و اسلامی شناسایی شد. از نمونه سفال‌های شاخصی که به صورت تصادفی از دامنه قلعه جمع‌آوری گردید و قابل شناسایی بودند حدود ۲۳ درصد متعلق به هزاره اول ق.م، ۳۱ درصد متعلق به دوران تاریخی و ۴۶ درصد متعلق به دوران اسلامی هستند. سفال‌های دوران اسلامی این محوطه عمدتاً از نوع لعاب‌دار متعلق به قرون اولیه اسلامی، سفال با نقش‌کننده زیر لعاب دوره سلجوقی و همچنین سفال‌های لعاب‌دار تکرنگ و زیر لعاب دوره ایلخانی است. سفال‌های هزاره اول ق.م نیز شامل تعداد اندکی سفال‌های خاکستری و سفال قرمز براق اورارتویی است. ولفرام کلایس باستان‌شناس شهیر آلمانی نیز در گزارش بررسی‌های خود در

نمونه‌های نادر در نوع خود در جنوب شرق دریاچه اورمیه به شمار می‌رود که به اعتبار واحدهای ایجاد شده در آن، متشکل از ترکیب دو اتاقک با مدخل چهارگوش روباز و راه‌پله‌های وصولی در دسته مقابر صخره‌ای تک اتاقه پیوسته قرار می‌گیرد که به گفته کلایس از تدفین‌های اورارتویی تقلید شده است.

سپاسگزاری

از راهنمایی‌ها و پیشنهادات سازنده جناب آقای دکتر بهمن فیروزمندی و آقای دکتر کاظم ملازاده صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

منابع

الف) فارسی

پاشایی، علیرضا، ۱۳۹۳، بررسی باستان‌شناختی دژ گویجه قلعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر (منتشر نشده).

پیوتروفسکی، بوریس، ۱۳۸۱، تمدن اورارتو، ترجمه حمید خطیب شهیدی، تهران: نشر اندیشه نو.

حاتم، غلامعلی، ۱۳۸۱، «گوردخمه‌ها در دوران مادها»، فصلنامه فرهنگ و هنر، سال بیستم، شماره ۵۲، صص ۱۱۸-۱۰۶.

حاجی‌زاده، کریم، ۱۳۷۴، بررسی استقرارهایی اورارتویی در شمال غرب ایران (۹۰۰-۷۰۰ ق.م)، پایان‌نامه دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

دیاکونوف، ایگور میخائیلویچ، ۱۳۷۷، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

سرفراز، علی‌اکبر و بهمن فیروزمندی، ۱۳۸۸، باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی: ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی (چاپ پنجم)، تهران: انتشارات مارلیک.

فیروزمندی، بهمن و مصطفی عبداللهی، ۱۳۸۴، «فرهنگ تدفین در لرستان (نیمه اول هزاره اول ق.م)»، مجله دانشکده ادبیات و علوم

انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۶۲، صص ۱۱۰-۷۱.

کارگر، بهمن، ۱۳۶۸، «مقابر اورارتوییان در آذربایجان غربی»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره دوم، صص ۵۸-۵۶.

گیرشمن، رمان، ۱۳۷۱، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی (چاپ دوم)، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

هژبری نوبری، علیرضا و اکبر پورفرج، ۱۳۸۴، «پیشنهاداتی درباره روش کاوش در قبرستان‌ها بر اساس کاوش‌های قبرستان عصر آهن مسجد کبود تبریز و شهریری مشکین‌شهر، پیام باستان‌شناس، مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال دوم، شماره چهارم، صص ۸۰-۶۵.

ب) غیر فارسی

Çavuşoğlu, R., 2003 "Rock-Cut Tombs and an Open-Air Shrine at Madavank, Eastern Turkey", *Ancient Near Eastern Studies*, Vol. 40, pp. 135-159.

_____, 2006, "Zernaki Tepe Urartu Kaya Mezarları", In: *Anadolu Arkeolojisine Katkılar*. 65. Yaşında Abdullah Yaylalı'ya Sunulan Yazılar, Takaoğlu, T., (Ed.), pp. 89-97, İstanbul: Hitit Color.

Çevik, N., 1999, "Hayat Ağacının Urartu kültürörenlerindeki yeri ve kullanım biçimi", *Anadolu Araştırmaları*, Vol. XV, pp. 335-367.

—————, 2000, *Urartu Kaya Mezarları ve Ölü Gömme Gelenekleri*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.

Çilingiroğlu, A., 1980, "Diauehi'de bir Urartu kalesi. Umudum Tepe (Kalor tepe), An Urartian Fortress in Diauehi. Umudum Tepe (Kalor Tepe)", *Anadolu Araştırmaları*, Vol. 8, pp. 191-204.

—————, 1991, "The Early Iron Age at Dilkaya", In: *Anatolian Iron Ages. The Proceedings of the Second Anatolian Iron Ages Colloquium held at İzmir, 4-8 May 1987*, Çilingiroğlu, A., & French, D. H., (Eds.), pp. 29-38, Oxford: Oxbow Books.

Hassanzadeh, Y., 2009, "Qal'e Bardine, a Mannaean Local Chieftdom in the Bukan Area, North-Western Iran", *AMIT*, Band 41, pp. 269-282.

Huff, D., 1968 "Das Felsgrab von Eski Doğubayazıt", *Istanbul Mitteilungen*, Vol. 18, pp. 58-86.

Karaosmanoğlu, M., 2004, "Urartu Kaya Mezarlarının Kökeni Üzerine", In: *Anadolu'da Doğdu-60. Yaşında Fahri Işık'a Armağan*, Işkan, H., & Işın, G., (Eds.), pp. 419-423, Istanbul.

Konyar, E., 2004, *Doğu Anadolu Erken Demir Çağı Kültürü: Arkeolojik Kazı Ve Yüzey Araştırmaları Bulgularının Değerlendirilmesi*, Sosyal Bilimler Enstitüsü Yayınlanmamış Doktora Tezi, İstanbul İstanbul Üniversitesi

—————, 2011, "Urartu'da Mezar Tipleri Ve Gümü Âdetleri", In: *Urartu Doğu'da Değişim*, Köroğlu, K., & Konyar, E., (eds.), pp. 206-231, 1. Baskı: Istanbul.

Köroğlu, K., 2005, "Doğu Anadolu Kaya Mezar Gelenekleri", *Arkeo Atlas 4*, pp. 120-121.

—————, 2007, "New Observations on the Origin of the Single-Roomed Rock-Cut Tombs of Eastern Anatolia", In: *Belkis Dinçolve Ali Dinçol'a Armağan. VITA. Festschrift in Honor of Belkis Dinçol and Ali Dinçol*, Alparslan, M.,

Doğan-Alparslan, M., & Peker, H., (eds.), pp. 445-456, Istanbul: EgeYayıncıları.

—————, 2008, "Urartu Kaya Mezar Geleneği ve Doğu Anadoludaki Tek Odalı Kaya Mezarlarının Kökeni", *Arkeoloji anat*, Vol. CXXVII, Istanbul, pp. 21-38.

—————, 2011, "Urartu: Krallık Ve Aşiretler", In: *Urartu Doğu'da Değişimi*, Köroğlu, K., & Konyar, E., (ed.), pp. 12-53, Baskı: Istanbul.

Kleiss, W., 1968, "Urartäische Plätze in Iranisch-Azerbaidjnn", *Istanbul Mitteilungen*, Vol. 18, pp. 1-44.

—————, 1973, "Planaufnahmen Urartaischer Burgen In Iranisch Azarbaidjan Im Jahre 1972", *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, Band 6, pp. 7-80.

—————, 1974, "Planaufnahmen urartäischer Burgen und Neufunde urartäischer Anlange in Iranisch-Azerbidjan im Jahre 1973", *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, Band 7, pp. 79-106.

—————, & Kroll, S., 1977, "Urartäische Plätze in Iran, A. Architektur. Stand der Forschung Herbst 1976", *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, band 10, pp. 53-83.

Kroll, S., 2011, "Iran'daki Urartu Şehirleri", In: *Urartu: Doğu'da Değişim*, Köroğlu, K., & Konyar, E., (ed.), pp. 150-169, Baskı: Istanbul.

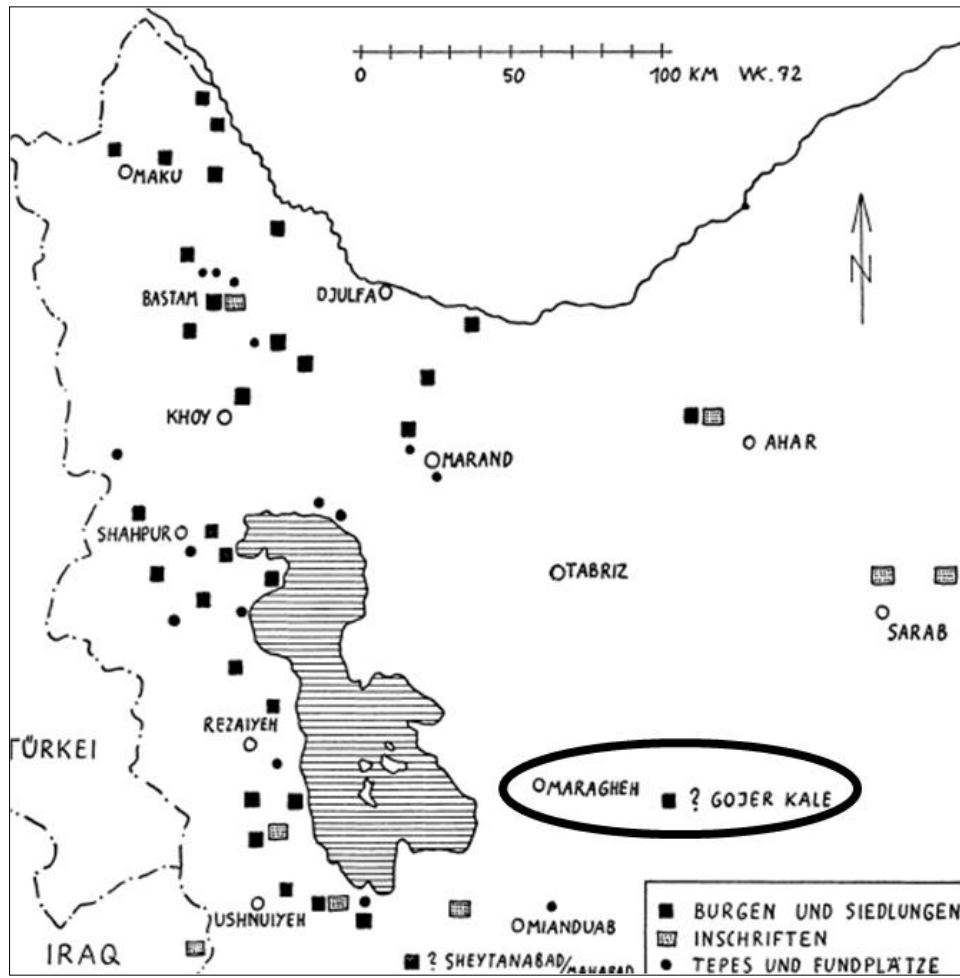
Rezvani, H., & Roustaei, K., 2007, "A Preliminary Report on Two Seasons of Excavations at Kul Tarike Cementary, Iran", *Iranica Antiqua*, Vol. XLII, pp. 139-184.

Sevin, V., & Kavaklı, E., 1995, "Van-Karagündüz Erken Demir Çağı Nekropolü Kurtarma Kazıları 1992-1993", *Kazı Sonuçları Toplantısı*, Vol. 16/1, pp. 331-350.

Tarhan, M. T., 1985 "Van Kalesi'nin ve Eski Van Şehri'nin Tarihi-Milli Park Projesi Üzerinde Ön Çalışmalar (I): Anıt Yapılar", *Araştırma Sonuçları Toplantısı*, Vol. 3, pp. 297-355.

—————, 1994, "Recent Research at the Urartian Capital Tushpa", *Tel Aviv*, Vol. 21, pp. 22-57.

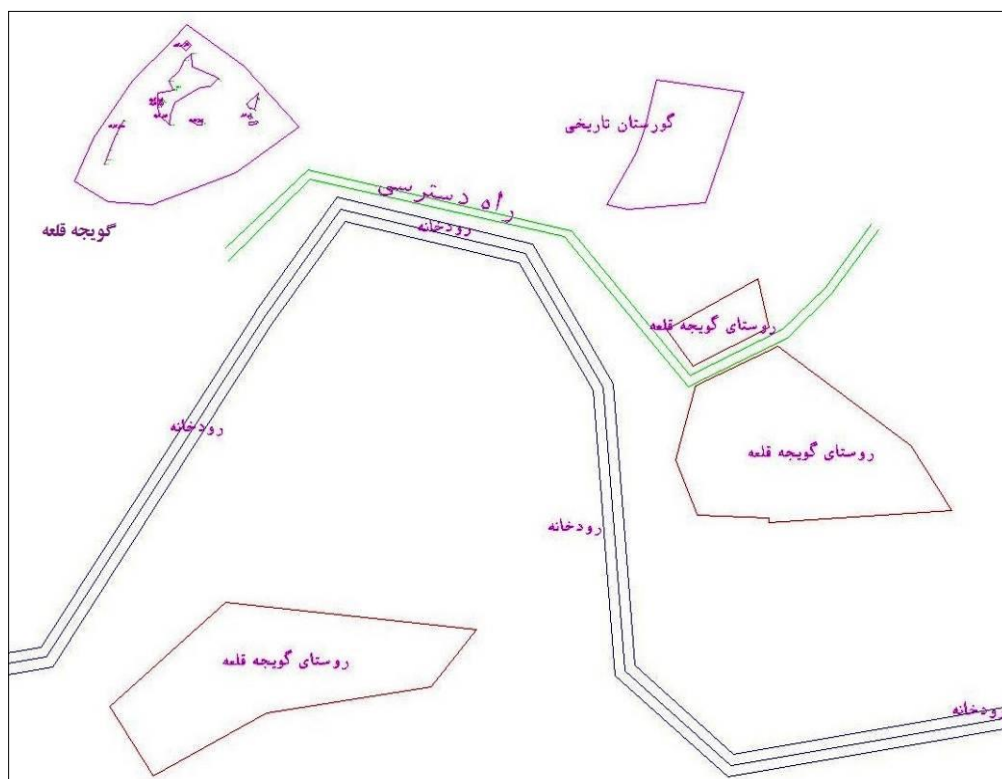
تصاویر



نقشه ۱: پراکنده‌گی محوطه‌ها و آثار اورارتویی در آذربایجان (Kleiss, 1973: 73).



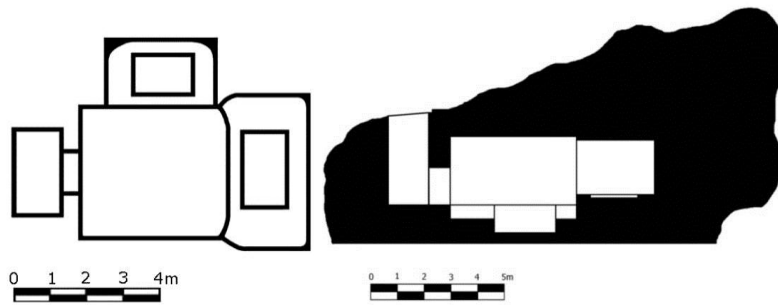
تصویر ۱: گویچه قلعه از نمای شرقی (عکس از نگارندگان).



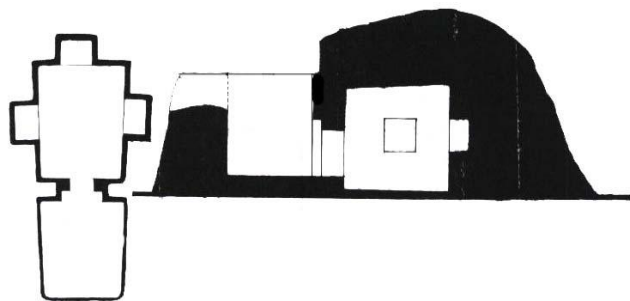
نقشه ۲: کروکی موقعیت گویچه قلعه (پاشایی، ۱۳۹۳: ۵۳).



تصویر ۲: پله‌های منتهی به گوردخمه (عکس از نگارندگان).



تصویر ۳: پلان و مقطع گوردخمه (نقشه از نگارندگان).



تصویر ۴: پلان و مقطع گور قلعه اسماعیل آقا (کارگر، ۱۳۶۸: ۵۵).



تصویر ۶: فضای شمالی گوردخمه (عکس از نگارندگان).



تصویر ۵: فضای داخلی گوردخمه (عکس از نگارندگان).



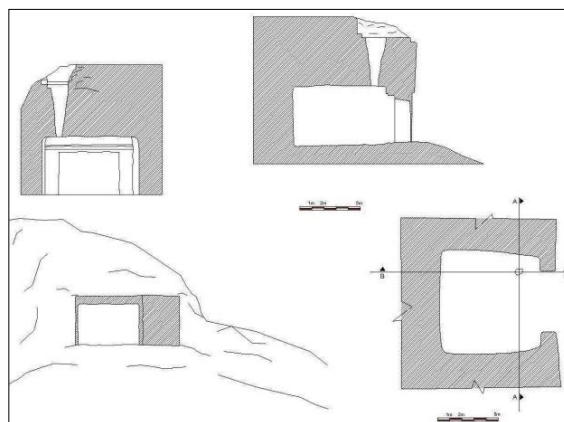
تصویر ۸: گور موجود در فضای غربی (عکس از نگارندگان).



تصویر ۷: فضای طاقچه مانند غربی (عکس از نگارندگان).



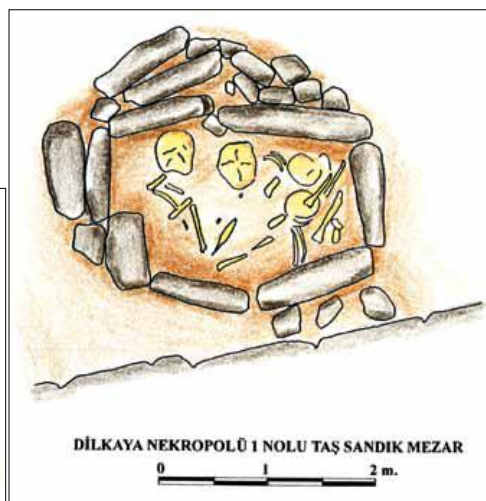
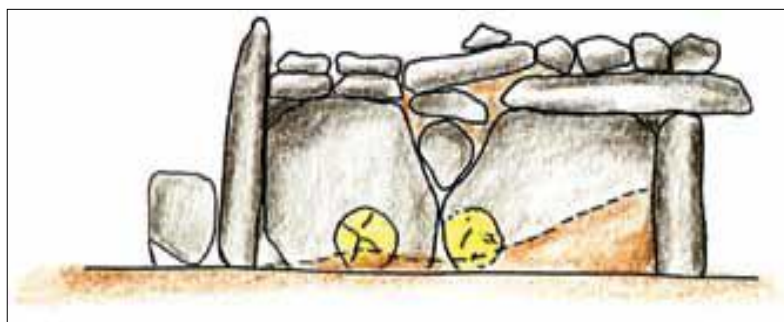
تصویر ۱۰: ورودی فضای مربع در گویچه قلعه (عکس از نگارندگان).



تصویر ۹: پلان و مقطع فضای مربع در گویچه (پاشایی، ۱۳۹۳: ۸۲).



تصویر ۱۱: قبر صندوقی شکل (عکس از نگارندگان).



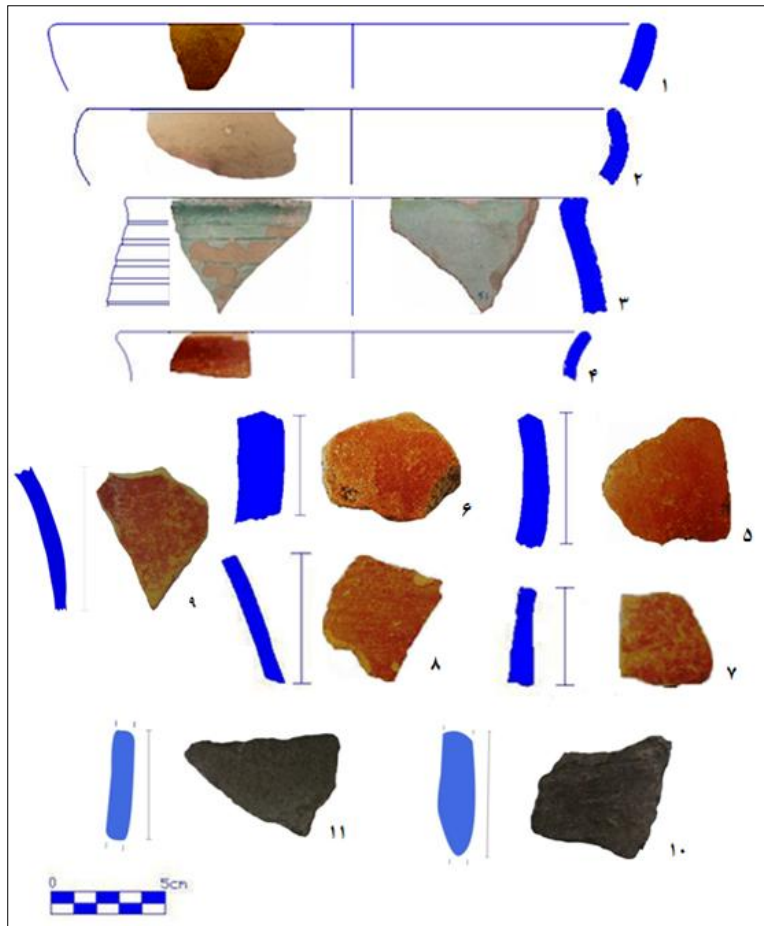
تصویر ۱۲: نمونه گور صندوقی شکل در دیل کایا (Çilingiroğlu, 1991: 34).



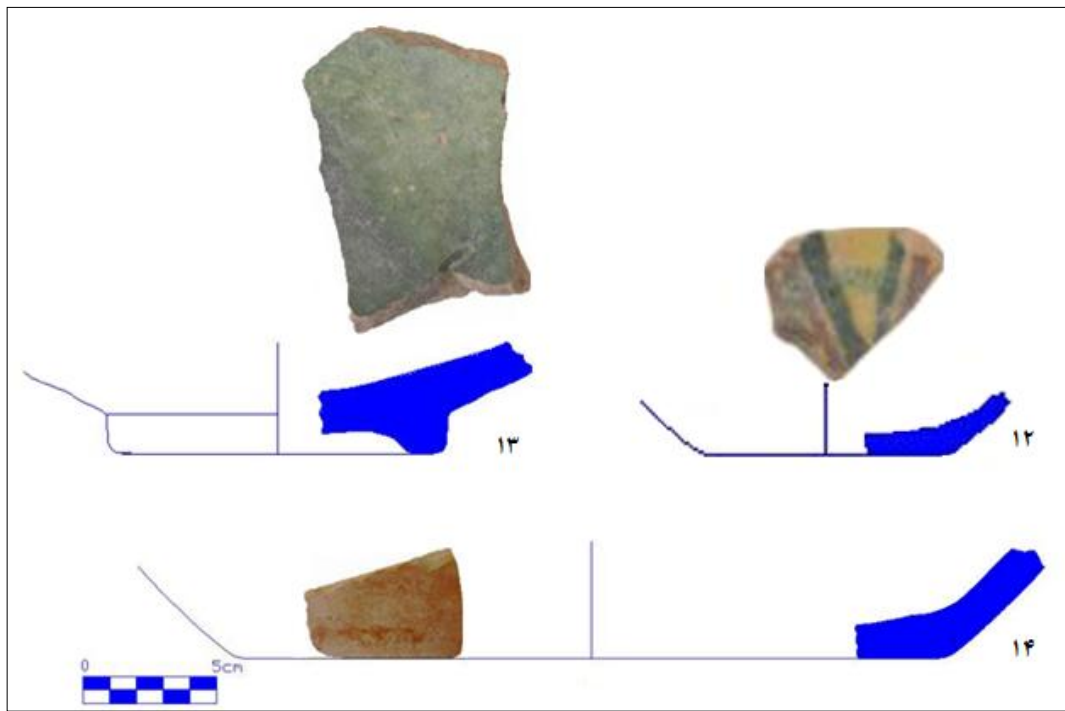
تصویر ۱۴: گور صندوقی شکل در کول تاریکه
(Rezvani & Roustaei, 2007: 165)



تصویر ۱۳: گور صندوقی شکل در قلعه بردینه
(Hassanzadeh, 2009: 274)



تصویر ۱۵: نمونه سفال‌های گویچه قلعه (طرح از نگارندگان).



تصویر ۱۶: نمونه سفال‌های گویچه قلعه (طرح از نگارندگان).

جدول ۱) مشخصات سفال‌های گویچه قلعه.

توضیحات	تزیینات	پخت	پوشش بیرون	پوشش درون	رنگ سطح بیرون	رنگ خمیره	رنگ سطح درون	آمیزه	نوع ساخت	نوع قطعه	ردیف
سفال قرمز اورارتویی	-	کافی	صیقلی	نامشخص	قرمز تیره	آجری	قرمز تیره	شن ریز	چرخ‌ساز	لبه	۱
سفال نخودی آهن III	-	کافی	-	-	نخودی	نخودی	نخودی	شن	دست‌ساز	لبه	۲
سفال اسگرافیاتو سلجوقی	کنده	کافی	لعاب گلی غلیظ	لعاب گلی غلیظ	سبز	آجری	سبز	ماسه ریز	چرخ‌ساز	لبه	۳
سفال قرمز اورارتویی	-	کافی	صیقلی	صیقلی	قرمز تیره	آجری	قرمز تیره	شن ریز	چرخ‌ساز	لبه	۴
سفال قرمز اورارتویی	-	کافی	صیقلی	-	قرمز	نخودی	قرمز	شن ریز	-	بدنه	۵
سفال قرمز اورارتویی؟	-	کافی	-	-	قرمز	نخودی	قرمز	شن ریز	دست‌ساز	بدنه	۶
سفال قرمز اورارتویی	-	کافی	صیقلی	صیقلی	قرمز تیره	نخودی	قرمز	شن ریز	چرخ‌ساز	بدنه	۷
سفال قرمز اورارتویی	-	کافی	صیقلی	صیقلی	قرمز تیره	نخودی	قرمز تیره	کانی	چرخ‌ساز	بدنه	۸
سفال قرمز اورارتویی	-	کافی	صیقلی	صیقلی	قرمز تیره	نخودی	قرمز تیره	کانی	چرخ‌ساز	بدنه	۹
سفال خاکستری عصر آهن	-	کافی	-	-	خاکستری	خاکستری	خاکستری	ماسه	دست‌ساز	بدنه	۱۰
سفال خاکستری عصر آهن	-	کافی	-	-	خاکستری	خاکستری	خاکستری	ماسه	دست‌ساز	بدنه	۱۱
سفال لعاب پاشیده زیر لعاب ایلخانی	-	کافی	لعاب گلی	لعاب گلی	سبز	نخودی	زرد - سبز	ماسه	چرخ‌ساز	کف	۱۲
-	-	کافی	لعاب گلی غلیظ	لعاب گلی غلیظ	سبز	خاکستری	سبز	ماسه	چرخ‌ساز	کف	۱۳
اسلامی؟	-	کافی	-	-	آجری	خاکستری	آجری	شن ریز	چرخ‌ساز	کف	۱۴